

جداسازی جنسیتی فضاهای شهری و کیفیت زندگی زنان

نسیم السادات محبوبی شریعت پناهی*، مریم جنگ زرگری**

چکیده

توسعه فضاهای عمومی شهری مطلوب از طریق در نظر گرفتن نیازها، امکانات واقعی و مشارکت مردمی در شهر نقش مؤثری در تحقق توسعه پایدار ایفا می‌کند. فضاهای شهری از دیرباز به دلیل سبک معماری خود ماهیتی جنسیتی داشته‌اند، بدین معنا که عملاً فضاهای شهری در برابر تحرک آزادانه زنان اعمال محدودیت کرده و موجب طرد فضایی آنان می‌شده‌اند. بدین ترتیب، زنان نه تنها از بهره‌مندی از فضاهای عمومی شهر محروم بوده‌اند، بلکه به دنبال آن از سهیم شدن در فرایند مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی نیز حذف شده‌اند. در دهه اخیر، در ایران، برنامه‌هایی با محوریت ایجاد فضاهای زنانه برای رضایت‌مندی زنان در کلان‌شهرهایی مانند تهران اجرا شده است. فضاهایی مانند واگن‌ها، اتوبوس‌ها، پارک‌های زنان و مجتمع‌های رفاهی مختص زنان با هدف ایجاد فضاهای زنانه شهری سعی کرده‌اند گردشگری فضایی زنان را با تأکید بر حفظ امنیت آنان حذف کنند. در این مقاله، با بررسی نظری فضاهای شهری زنانه، دیدگاه‌های موافقان و مخالفان این فضاها با عنوان جداسازی جنسیتی فضاهای شهری و تأثیر آن بر کیفیت زندگی زنان بررسی شده است. به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از دو رویکرد موافق و مخالف تقسیم جنسیتی فضاهای عمومی مستندات تأییدکننده کافی بر ادعای خود ندارند. موافقان بر امنیت زنان و تأثیر آن بر کیفیت زندگی آنان و ایجاد فرصت حضور فعال زنان در عرصه عمومی تأکید دارند و مخالفان بر بازتولید جداسازی جنسیتی سنتی و نیز طرد زنان از فضاهای شهری عمومی و تأکید بر شهروندی منفعل زنان دست گذاشته‌اند. به نظر می‌رسد اگر انگیزه ایجاد فضاهای جنسیتی شهری به وجود آوردن حق انتخاب برای زنان بین این فضاها و سایر فضاهای جداسازی نشده، و رفع نیازهای آنان در فضای عمومی باشد، می‌توان بر کارکرد مثبت این فضاها تا حدی تأکید کرد. هرچند در نهایت از این فضاهای جنسیتی صرفاً می‌توان به‌عنوان یک راهکار در دوره گذار برای عادی‌سازی فعالیت اجتماعی زنان در شهرهای مردانه استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها

زنان، شهر، فضای عمومی، کیفیت زندگی

Gender Segregation in Urban Spaces and Women's Quality of Life

Nasim Alsadat Mahboubi Shariat Panahi
Maryam Jange Zargari

Abstract

Development of favorable public urban spaces plays a significant role in realization of sustainable development through considering requirements, real possibilities and people participation in the city. Historically, urban spaces have displayed gendered nature due to their architectural style; meaning urban spaces practically have restricted women's free mobility leading to their spatial exclusion. Thus, not only women have been deprived of access to public urban spaces but also they have been excluded from social activities and participation.

In recent decade, in Iran programs have been implemented to create women-only spaces seeking women's satisfaction in metropolises such as Tehran. Spaces like wagons, buses, women-only parks and welfare complexes are allocated to female population with different objectives: to create womanly urban spaces, remove their spatial exclusion and enhance their safety. This paper reviews womanly urban spaces theoretically, and

presents pro and cons regarding gender segregation in urban spaces and its impact on women's quality of life. It seems none of the approaches has provided enough evidences to support their views. Proponents emphasize women's safety, its impact on women's life and opportunities for women's active presence in public spaces; on the other hand, opponents consider reproduction of traditional gender segregation, women's spatial exclusion of public urban spaces and women's passive citizenship. Seemingly, positive function of such spaces partially is acceptable, if creating gendered urban spaces results in entitlement of women to choose between segregated/ not segregated spaces to meet their needs in public domains. However, gendered spaces may be considered merely as a temporary solution in transition period for normalization of women's social activities in masculine cities.

Key words

Women, City, Public Space, Quality of Life